

مسئولیت حاکم و امت در دولت خلافت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسوولیت حاکم و امت در دولت خلافت

چاپ اول- انگلیسی
۱۴۳۰ھ.ق - ۲۰۰۹م

چاپ اول- دری
۱۳۹۶ھ.ش - ۲۰۱۷م

نشرات امت
کابل - افغانستان

info@hizb-afghanistan.com
www.hizb-afghanistan.com

www.hizb-ut-tahrir.info
www.qeyaam.com

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	خلافت عنقریب طلوع می کند
۴	بخش اول- مبنی مسوولیت
۵	مسوولیت عام و تام فرد در قبال تطبیق و حاکمیت اسلام
۶	در اسلام، مکلف و مسول به کی گفته می شود؟
۷	فرد مسول و مکلف باید چگونه باشد؟
۹	ثبات و پایداری در ادای فرائض
۱۴	بخش دوم: مسوولیت های حاکم
۱۴	تطبیق، حراست و انتشار دین اسلام
۱۶	تنظیم، مراقبت و سرپرستی امور رعیت
۱۷	گناه و جزای حکام خائن
۱۸	حاکمیت اسلام، عزت و عظمت را به مسلمانان باز می گرداند
۱۸	خلافت به مشکلات اقتصادی نقطه پایان میگذارد
۲۱	خلافت امت را از حقارت در سیاست خارجی نجات میدهد
۲۳	بخش سوم: مسوولیت امت در برابر حاکم
۲۴	اطاعت از امیر در معصیت خالق جایز نیست
۲۵	محاسبه حاکم
۲۶	راه های عملی محاسبه حاکم پس از بازگشت خلافت
۲۸	نتیجه گیری
۲۸	پس ای مسلمانان پاکستان!

مقدمه

خلافت عنقریب طلوع می‌کند

عنقریب ان شاءالله خلافت دوباره تاسیس می‌گردد، چون تلاش امت اسلامی برای احیای آن شدت گرفته و دعوت خلافت در هر گوشه و کنار جهان رسیده و اکنون دعوت خلافت در اقصا نقاط جهان بویژه سرزمین های اسلامی طنین انداز است. افزون براین؛ امت اسلامی پی برده که تنها با خلافت می‌تواند اسلام را بطور کامل آن تطبیق نمود، چون تجارب تلخ زندگی سبب شد تا امت اسلامی به این حقیقت پی ببرد که بدون خلافت، اسلام هرگز بشکل درست تطبیق نمی‌گردد و وضعیت امت نیز بهبود نمی‌یابد. حالا امت اسلامی درک کرده که تنها بدیل نظام دموکراسی سرمایه داری، خلافت است و بس. خلافت عنقریب ان شاءالله در یکی از سرزمین های اسلامی منجمله پاکستان، شام، ترکیه، مصر و غیره تاسیس می‌گردد.

حقیقت تلخ روزگار ما این است که حکام خائن سرزمین های اسلامی به نیابت از باداران غربی در مقابل تاسیس دوباره خلافت و انقلاب بزرگ امت ایستادگی می‌نمایند. سال ها است که امت اسلامی از ظلم و بی عدالتی و خیانت حکام دست نشانده ملکی و نظامی رنج می‌برند. خیانت بزرگ و نابخشودنی اینکه حکام خائن سرزمین های اسلامی در عوض وفاداری به امت و اسلام، به باداران غربی خویش وفادار هستند، چون ایشان تربیت یافته گان غرب هستند و مورد حمایت مالی و نظامی و فکری غرب قرار دارند. غرب استعمارگر همواره تلاش نموده تا حکام خائن و ظالم را بر مسلمانان تحمیل نمایند و اکثراً تصامیم و فیصله های بزرگ امت اسلامی در لندن و واشنگتن صورت می‌گیرد. بعضی اوقات به بهانه انتخابات آنها را بر ما تحمیل می‌کنند و در زمانی توسط کودتای نظامی مورد حمایت غرب، حکام را بر امت تحمیل می‌کند.

به هر حال؛ نگرانی اصلی ما این است که در سرزمین امت، اسلام تطبیق نمی‌گردد و این

جوهر ماموریت ما را تشکیل میدهد تا حاکمیت اسلام را به سرزمین های اسلامی باز گردانیم. از اینکه عصر ظلم و استبداد حکام خائن سرزمین های اسلامی به پایان رسیده، به همین دلیل حکام خائن در مقابل امت اسلامی موقف دفاعی به پیش گرفته اند. ولی جالب اینکه ایشان با وجود بی اطاعتی صریح از الله سبحانه و تعالی از امت اسلامی تقاضا دارند تا به آنها وفادار باقی بماند و هستند تعدادی از مسلمانان که هنوز هم از آنها پیروی می کنند. اما بسیار جای تأسف است که با وجود خیانت آنها در حق دین الله و امت مسلمه، از ایشان پیروی می شود.

اما هر زن و مرد مسلمان باید واقعیت خلیفه مسلمین را بداند و اهمیت خلافت باید به تمام نسل ها رسانده شود و مادران مسلمان مسئولیت بیشتر دارند تا فرزندان خویش را چنان تربیه کنند که مسئولیت خویش در قبال اسلام و مسلمین را درک کنند. بنأ خلیفه مسلمین عبارت از رهبر واقعی امت اسلامی است که از الله سبحانه و تعالی می ترسد و مطابق قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم حکومت می کند و خلفای راشدین را الگو و پیشوای خویش قرار میدهد. خلیفه مسلمین درک می کند که سرپرستی و رهبری امت اسلامی یک امانت الهی است و از آن مورد مواخذه و محاسبه امت و الله سبحانه و تعالی قرار می گیرد.

بنأ رساله هذا بطور فشرده به شرح رابطه حاکم با رعیت و اهمیت آن در تشکیل یک جامعه قوی اسلامی پرداخته است. این یکی از مهمترین موضوعات در اسلام است که باید هر مسلمان از آن آگاهی کامل داشته باشد چون عدم آگاهی از مسئولیت حاکم و رعیت سبب می شود تا فرزندان امت اسلامی در پی تاسیس خلافت و حاکمیت اسلام نباشند. پس درین رساله روی مفهوم اساسی مسئولیت فرد مسلمان در قبال اسلام و همچنان مسئولیت حاکم و مسئولیت وی در قبال امت تمرکز نموده شده است تا امت بعد از تاسیس خلافت مسئولیت خویش را بدانند و با جان و دل از خلافت دفاع نمایند.

در قدم نخست همه مسلمانان باید درک کنند که حکام فعلی سرزمین های اسلامی رهبرهای حقیقی امت بشمار نمی آیند. آنها توسط بعیت با رضایت امت تعیین نشده اند به همین دلیل هم است که اسلام را تطبیق نمی کنند و وفادار به باداران غربی خویش هستند. آنها ظالم هستند و اسلام را تطبیق نمی کنند، آنها در حق اسلام و امت خیانت می کنند آنها به کفار

استعمارگر اجازه داده اند تا سرمایه امت را به یغما ببرند و بر مسلمانان ظلم نمایند. آنها باید محاسبه شوند و آنها باید سرنگون و برکنار شوند. تمام امت اسلامی بشمول زن و مرد باید علیه آنها ایستاد شوند و به آنها نه بگویند. هر مرد و زن مسلمان مسئولیت دارد تا منکر را از بین ببرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

﴿ان الناس اذا راوا الظالم فلم ياخذوا على يديه اوشك ان يعمهم الله بعقاب﴾

ترجمه (هرگاه انسان ها متوجه ظلم ظالم می شوند و دست آن را نمی گیرند یعنی وی را منع نمی کنند، نزدیک است الله سبحانه و تعالی آنها را به عذاب شدید گرفتار نماید.)

(رواه ابو داود، ترمذی و ابن ماجه)

بخش اول - مبنی مسوولیت

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

(سوره سبا: آیه ۲۸)

ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده ایم تا مژده رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم دهنده (کافران به شقاوت سرمدی) باشی ، ولیکن اکثر مردم (از این معنی) بی خبرند (و همگانی بودن نبوت تو را باور نمی دارند)

مسلمانان نسبت به عمل شان به دین اسلام مسول هستند. اسلام فرستاده شده تا قیام قیامت بر روی زمین حاکم باشد و مسلمانان باید براساس عقیده خویش از اسلام پیروی نموده و به تمام احکام و دستورات آن عمل نمایند و آنرا بطور کامل تطبیق نمایند. بنا بر مسلمانان فرض است تا مسوولیت خویش را در قبال تطبیق اسلام بدانند.

شخصیت اسلامی متشکل از عقلیه و نفسیه است. عقلیه عبارت از عقیده مسلمان پیرامون حیات، کائنات و مخلوقات است و تمام افکار فرد براساس عقیده اسلامی شکل می گیرد. پس شخصیت اسلامی یک مسلمان بر عقیده اسلامی بنا یافته که باور کامل به الله سبحانه و تعالی، رسولان و پیامبران و کتب الهی را در بر می گیرد. بنا باید تمام افکار و احساسات و خواهشات یک انسان مطابق عقیده اسلامی باشد. یکی از شش مومن به، ایمان به روز جزا است که مفهوم محاسبه الله سبحانه و تعالی بر آن بنا یافته است. بنا مسلمان زندگی دنیا را جز عبادت و تطبیق دین الله سبحانه و تعالی چیزی دیگری تعبیر نمی کند و باید در تمام اعمال اش تابع فرمان و دستور خدا باشد. هر مسلمان معتقد است که در روز قیامت مورد بازپرس و

محاسبه الله سبحانه و تعالی قرار می گیرد.

مسئولیت عام و تام فرد در قبال تطبیق و حاکمیت اسلام

هر مسلمان معتقد است که اسلام کامل و جامع است. اسلام دارای احکام فردی و احکام جمعی است. احکام فردی روابط انسان با خالق اش را تنظیم می کند و احکام جمعی روابط و مسئولیت انسان با جامعه و حیات سیاسی، اقتصادی، قضائی، اجتماعی و سیاست خارجی و تعلیم و تربیه را تنظیم می کند.

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿أَفَعَبِّرَ اللَّهُ أَبْتَغَى حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا﴾ (سوره انعام: آیه ۱۱۴)

(ای پیغمبر! بدیشان بگو: این داورى خدا درباره حق و حقیقت است) آیا جز خدا را (میان خود و شما) قاضی کنم؟

همچنان الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (سوره انعام: آیه ۳۸)

«در کتاب (کائنات) هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم (و همه چیز را ضبط و به همه چیز پرداخته ایم). بگذار تکذیب کنندگان هر چه می خواهند بکنند.»

در دولت خلافت، قرآن و سنت تنها منبع، ماخذ و مصدر قوانین بشمار می آید و تمام قوانین و مقررات از قرآن و سنت اشتقاق و استنباط می شود. در دولت خلافت هر قانون باید بر اساس دلایل اسلامی استوار باشد. زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم والیان را به مناطق و ساحات دور می فرستاد از ایشان می پرسید که چگونه حکم می کنند. البیهقی، امام احمد و ابو داود در مسند خویش روایت کرده اند:

« زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم سعد بن معاذ را به یمن فرستاد از وی پرسید چگونه بر مسائل حکم می کنی؟ او گفت: مطابق کتاب الله. سپس او صلی الله علیه وسلم گفت اگر

در کتاب الله نبود؟ گفت مطابق سنت رسول الله؟ او صلی الله علیه وسلم گفت اگر در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم نبود؟ گفت مطابق اجتهاد خود به پیش میروم؟ او صلی الله علیه وسلم بر سینه او رضی الله عنه زد و گفت حمد و ثنا خدای را که رسول، رسول الله صلی الله علیه وسلم را به چیزی کمک و هدایت کرد که رضایت پیامبر اش در آن است.

حدیث فوق دلیل واضح بر این است که مسلمانان باید در اجرای اعمال شان به قرآن و سنت رجوع کنند. بناً درست نیست تا گفته شود که اسلام تنها اصول را گذاشته و جزئیات را به انسان گذاشته تا حق و باطل را خودش تعیین کند. بناً در دولت خلافت تمام نظام ها، مادر قوانین و سایر دستورات و فرامین از قرآن و سنت نشأت می کند و بس.

در اسلام، مکلف و مسول به کی گفته می شود؟

همه افراد منوط به احکام شرعی است. بناً حکم شرعی عبارت از خطاب شارع متعلق به اعمال بندگان اش است. مطابق شریعت اسلامی، مکلف و مسول کسی است که در انجام و اجرای امور عاقل، بالغ و قادر باشد. بناً بر شخص مکلف و مسول واجب است تا مطابق احکام شرعی عمل نماید و محاسبه او در قرآن کریم صراحت دارد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (احزاب: آیه ۳۶)

«هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داورى کرده باشند (و آن را مقرر نموده باشند) اختیاری از خود در آن ندارند (و اراده ایشان باید تابع اراده خدا و رسول باشد). هر کس هم از دستور خدا و پیغمبرش سرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می گردد.»

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر: آیه ۷)

«چیزهائی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهائی که

شما را از آن بازداشته است ، دست بکشید»

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

(نور: آیه ۶۳)

«باید از این بترسند که بلائی (در برابر عصیانى که می‌ورزند) گریبانگیرشان گردد ، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود (اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی ، و دوزخ و دیگر شکنجه‌های اخروی).»

آیات فوق خیلی صریح و قاطع است و اگر از آن پیروی نشود، مجازات شدیدی در پی خواهد داشت. بنا بر هر فرد مکلف و مسول مسلمان واجب است تا از اسلام پیروی و ماسوای آن را رد نمایند.

فرد مسول و مکلف باید چگونه باشد؟

فرد مکلف و مسول باید پایبند فرامین و دستورات الهی باشد و در تمام اعمال اش مطابق قوانین شریعت عمل کند. پس جایز نیست تا او مطابق هوی و هوس و خواهشات خود عمل نماید و اسلام را نا دیده بگیرد. همچنان بر مسلمان جایز نیست تا فکر، قانون، مفهوم، حکم و یا چیزی دیگری را از کفار بگیرد مگر اینکه در مخالفت با اسلام قرار نداشته باشد. اصل در اعمال پیروی و مقید بودن به حکم شرعی است. این قاعده از دلایل اسلامی استنباط شده است. هر عمل فرد مسلمان باید مطابق قرآن و سنت باشد. بنا بر فرد مکلف و مسول مسلمان فرض است تا خود را مطمئن سازد که عمل اش مطابق احکام شرعی است. اصل دیگر در شریعت اسلامی این است که: «اصل در اشیا اباحت است.» یعنی در اصل، استفاده اشیا مباح است مگر اینکه نص صریح بر حرمت آن دلالت نماید. مثلاً استفاده هر طعام مباح است به استثنای گوشت حیوان مرده. بنا بر درک همچو اصول نباید سوء تفاهم صورت گیرد. یعنی چنین گفته نشود که دموکراسی یک شی است و استفاده از آن مشکل ندارد. باید همه بدانند که دموکراسی شی نیست بلکه نظام حکومتداری است مطابق نفس و خواهشات انسان بمیان

آمده است. عمل به دموکراسی حرام است چون درین نظام حاکمیت از آن بشر است و درین نظام قوانین توسط بشر ساخته می‌شود. این در حالی است که در اسلام حاکمیت و حکم از آن سبحانه و تعالی است و بس و او شارع مطلق است و تمام قوانین از قرآن و سنت استنباط می‌شود و بس. همچنان تطبیق اسلام در حیات بشر توسط پیامبر صلی الله علیه و سلم عملی گردیده و او بهترین الگو برای مسلمانان است و سپس خلفای راشدین نیز مطابق نقش قدم او صلی الله علیه و سلم حکومت و دولرداری کردند و این احکام را بنام فقه یاد می‌کنند. اسلام تنها مجموعه ای از اصول و قواعد و پند و نصیحت محض نیست بلکه شامل همه موضوعات می‌شود و به جزئیات نیز مسائل را بیان نموده است و جزئیات تعبیر و تفسیر را به خواهش و هوی و هوس انسان نگذاشته است. اجتهاد طریقه استنباط حکم از قرآن و سنت است. بنأ الله سبحانه و تعالی تنها شارع مطلق است. سلطه و حاکمیت فقط از آن الله سبحانه و تعالی است نه از خلیفه یا مجلس امت. ایشان تنها مسئولیت تطبیق را دارند و بس. حکم از آن خدا و تطبیق از آن خلیفه مسلمین است.

پیروی از قرآن و سنت و احکام آن بر مسلمانان واجب است. احکام شرعی به پنج دسته تقسیم شده است. فرض، مندوب، مباح، مکروه و حرام. اهمیت اعمال شرعی توسط دلایل شرعی تعیین می‌گردد. مثلاً بهترین فرض جهاد است و همچنان قتل مسلمان و رشوه ستانی بدترین اعمال حرام بشمار می‌آید که جزای آن نیز سنگین است. اما در عصر حاضر معنی فرض و حرام تغییر کرده و هر شخص مطابق خواست و خواهش خویش آنرا تعبیر و تفسیر می‌کند و مفهوم و معنی آن از سیاق شرعی اش خارج شده است و همچنان این دو حکم هیبت و عظمت خویش را از دست داده است. پس هر فرد مسلمان باید در حصه مفهوم آن جدی و دقیق باشند تا محاسبه اعمال خویش را بدانند.

انواع احکام شرعی ذیلاً بیان می‌گردد.

فرض: عبارت از عمل است که شخص مکلف و مسول باید آن را انجام بدهد. عدم پایبندی به اعمال فرض منجر به گناه عظیم می‌شود. اعمال فرض عبارت از ادای نمازهای پنجگانه، روزه ماه مبارک رمضان، حج بیت الله شریف در تمام عمر یکبار، محاسبه حاکم، کار برای وحدت امت زیر چتر یک خلیفه و حاکمیت اسلام.

مندوب یا نوافل: عبارت از اعمال است که انجام آن ترجیح داده شده و اما فرض نیست. یعنی در انجام آن ثواب و عدم انجام آن گناه نیست. مانند نماز های سنت، روز های غیر از ماه مبارک رمضان و دور نمودن اشیای مضره از سر راه

مباح: عبارت از اعمال است که در انجام آن اختیار است مانند پوشیدن ساعت دستی
مکروه: عبارت از اعمال است که الله سبحانه و تعالی انجام آن را دوست ندارد. عدم انجام آن باعث ثواب و انجام آن گناه ندارد، مانند سخن گفتن در جریان وضو
حرام: عبارت از اعمال است که انجام آن کاملاً و قطعاً منع و حرام است. مانند، حکم بر اساس کفر، ظلم بر مسلمانان، غیبت و تهمت و افترا.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«الله سبحانه و تعالی بر شما فرائض را تعیین نموده آن را فراموش نکنید، برای شما حدود را تعیین نموده از آن عدول نکنید، بعضی از اشیای را بر شما منع نموده از آن استفاده نکنید، و در حصه بعضی اشیای خاموش مانده و برای شما رخصت داده است نه به دلیل نسیان و فراموشی پس در باره آن بحث و سوال نکنید.»

پس فرد مکلف و مسول اینگونه به زندگی خود ادامه می دهد. اگر غیبت کردیم و تهمت بستیم گناه کار می شویم برعکس اگر حکام را محاسبه کردیم ثواب میگیریم. بناً ربه گناه و صدقه ثواب است. همچنان محاسبه حکام ثواب دارد و غفلت درین امر جزای سنگین در پی دارد. همه باید درک کنیم که جهل و نادانی عذر پنداشته نمی شود. دانستن حکم اعمال روز مره بر هر مرد و زن مسلمان فرض عین است. الله سبحانه و تعالی هرگز درین مورد معذرت ما را قبول نخواهد کرد. جستجوی حکم صحیح و عمل به آن بخشی از مسوولیت های فرد مکلف بشمار می آید. بناً هر پدر، مادر، کارمند، کارفرما، حاکم، محکوم، رعیت، مسول است تا در نقش مربوطه خود مطابق اسلام عمل نماید.

ثبات و پایداری در ادای فرائض

فرائض باید هرگز ترک نشود چون در ترک آن هیچ اختیاری به فرد مسلمان داده نشده است. فرائض از سوی خداست و غفلت در اجرای آن جزای سنگین بدنبال دارد و مورد بازپرس و

محاسبه الله سبحانه و تعالی قرار میگیریم. در حالات و شرایط شدید هم نباید فرائض ترک شود چون زندگی امتحان الهی است و با همچو حالات الله سبحانه و تعالی مسلمان را مورد آزمایش قرار میدهد تا دیده شود که کی شائسته و لایق مقام و درجات جنت است. همچنان زنان مسلمان در دنیای غرب نباید حجاب خود را از سر بردارند همچنان روزه ماه مبارک رمضان به بهانه این و آن ترک نشود. در جریان کار و ادای مکلفیت نمازهای پنجگانه نباید ترک شود. مسلمانان نباید در مقابل ظلم و بی عدالتی حکام خائن خاموش بنشینند. از جاسوسان حکام خائن نباید ترسید.

پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز مشقت و سختی های و امتحان های شدید را سپری نمود از منع دعوت تا شکنجه و آزار و اذیت اما هرگز از دعوت و اعلاى کلمة الله منصرف نشد چون وی معتقد بود که حمل دعوت و احیای دولت فرض است. همچنان اصحاب کرام نیز در برابر همه سختی ها ایستادگی کردند و به انجام مکلفیت خویش ادامه دادند. اصحاب از زیان مال و جان از شهادت و شکنجه هراس نداشتند. قربانی و فداکاری های فرزندان مخلص و متعهد مسلمان در طول تاریخ اسلام به همگان واضح است. قوت مفاهیم اسلامی سبب شده است تا امروزه نیز فرزندان آگاه و متعهد و مخلص این امت در پی تاسیس خلافت باشند ایشان نیز منحیت بهترین خلف برای سلف شان در مقابل ظلم استبداد حکام خائن و کفار استعمار گر ایستادگی می کنند و هرگونه مشقت و سختی را تحمل می کنند و خواهان تطبیق اسلام هستند. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتَمُونَ
الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ
نَصَرَ اللَّهُ قَرِيبًا﴾ (سوره بقره: آیه ۲۱۴)

آیا گمان برده اید که داخل بهشت میشوید بدون آن که به شما همان برسد که به کسانی رسیده است که پیش از شما درگذشته اند؟ (شما که هنوز چنین رنجها و دردهائی را ندیده اید و باید چشم به راه تحمل حوادث تلخ و ناگوار در راه کردگار باشید و بدانید: نخست رنج

سپس گنج). زیانهای مالی و جانی (و شدائد و مشکلات، آن چنان ملتتهای پیشین را احاطه کرده است و) به آنان دست داده است و پریشان گشتهاند که بیغمبر و کسانی که با او ایمان آورده بود هاند (همصدا شده و) میگفتن: پس یاری خدا کی (و کجا) است؟! (لیکن خدا هرگز مؤمنان را فراموش ننموده است و پس از تعلیم فداکاری به مؤمنان و آبدیدگی ایشان که رمز تکامل است، به وعده خود وفا کرده و بدیشان پاسخ گفته است که:) بیگمان یاری خدا نزدیک است.

مصعب این سعید از پدر خود روایت می کند که گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! کدام طبقه مردم مورد بلا و امتحان خدا قرار گرفتند؟ گفت: انبیا! بعد از آن گفت: «سپس دعوتگران و سپس افراد نزدیک به آنها و سپس افراد نزدیک به آنها. هر فرد به اندازه شدت و ثبات و پایداری به دین اش مورد امتحان الهی قرار می گیرد، اگر دین اش قوی بود امتحان اش نیز سخت است و اگر دین اش ضعیف بود مطابق آن امتحان می شود. امتحان الهی تا زمانی بر این مرد ادامه پیدا می کند که تمام گناه های او عفو شود و وی بدون گناه در روی زمین قدم بزند.»

تنها راه تحمل امتحان های الهی، تقویت ایمان است و بس. باید خود را بیشتر به الله سبحانه و تعالی نزدیک کنیم تا او بر ما رحم کند و حاکمیت اسلام را بازگرداند. ثبات و پایداری به احکام شرعی و اطاعت دوامدار سبب تقویت ایمان ما می شود. مسلمان کاملاً خود را به الله می سپارد و تمام قوانین او را یکجا تطبیق می نماید. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (سوره نساء: آیه ۶۵)

اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند.

بنابراین مسلمان باید با تلاوت قرآن کریم، عبادات فردی، تهجد، روزه نوافل و سایر اعمال

اسلامی خود را به الله سبحانه و تعالی نزدیک کند و تمام این اعمال بخاطر تطبیق درست و شفاف و کامل فرائض و وجایب صورت می‌گیرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: الله سبحانه و تعالی می‌گوید که بنده من با نوافل به من قربت می‌جوید تا اینکه من آنها را دوست میدارم. سپس من قلب او می‌شوم که با آن فکر می‌کند زبان او می‌شوم که با او سخن می‌گوید و چشم او می‌شوم که با او می‌بیند زمانیکه از من سؤال می‌کند پاسخ میدهم و هر آنچه از من می‌خواهد برایش میدهم و از زمانیکه از من طلب کمک می‌کند به او همکاری میکنم بهترین عبادت بنده من نصیحت و توصیه است.» (الطبرانی)

با وجود این همه تلاش‌ها اگر دچار اشتباه و خطا می‌شویم درین حالت از الله سبحانه و تعالی عفو و بخشش می‌خواهیم. پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: به تحقیق الله سبحانه و تعالی بر امت من آسان‌گیر است. الله سبحانه و تعالی اشتباه و خطای را که سهواً یا جبراً صورت گرفته، عفو می‌کند. (ابن ماجه)

وظایف و نقش‌های که نیاز به مسئولیت خاص دارد

یک مسلمان باید بخاطر انجام اعمال درست در جستجوی علم و دانش باشد تا بتواند هر نقش و وظیفه‌ای که به وی سپرده می‌شود به درستی انجام دهد. یعنی فراگیری مادام‌العمر دانش شرعی بر هر مرد و زن مسلمان لازم است. انسان‌ها در زندگی خویش بعضی از وظایف و نقش‌های است که ایفا می‌کنند. مثلاً والدین مسول تربیه فرزندان خود می‌باشد و بخاطر اعمال و کردار آنها مورد محاسبه قرار می‌گیرد. به شوهر نیاز است تا با همسر خود رفتار نیک داشته و به وی محبت ورزد و درین امر محاسبه می‌شود. پدر مسول اعمال و کردار و رفتار فرزندان خود است. حاکم نیز در نزد خدا و رسول و رعیت مسول است. حاکم مسول تطبیق حدود، جمع‌آوری عواید و غنایم، حمل اسلام به سایر ملل، اعلام جهاد در مقابل کشورهای متخاصم و غیره می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

« هر کدام شما چوپان هستید و مسول رمه خود می‌باشید. حاکم مسلمان نیز سپر و محافظ امت میباشد و وی مسول امور مربوط به حاکمیت است. مرد نیز محافظ و نگهبان فامیل خود است و او مسول امور خانواده می‌باشد. زن نیز محافظ و نگهبان خانه و فرزندان خود می‌باشد و او درین بخش مسول است. یک غلام نیز محافظ و نگهبان املاک بادار خود

می باشد و وی درین بخش مسول است. یقیناً هر یک از شما چوپان است و او پاسخگو در مقابل تمام وجایب و مکلفیت های خود است. (رواه مسلم)

پس زمانیکه یک فرد خلیفه مسلمین تعیین می گردد او مسول عام و تام حکومت داری می باشد او نمی تواند از مسوولیت شانه خالی کند. الله سبحانه و تعالی در روز قیامت وی را مورد بازپرس و محاسبه قرار میدهد. واقعاً این کار برخلاف واقعیت امروزی است. حکام فعلی سرزمین های اسلامی به زور بازوی کفار استعمارگر به این موقف رسیده اند. آنها حکام واقعی مسلمانان نیستند. درین نظام های فعلی، قوانین بر اساس هوی و هوس انسان ها ساخته می شود. بنأ فساد در نظام های بشری حتمی است. حکام فعلی هرگز نگران امور امت نیستند. برعکس در اسلام، حتی خلیفه حق تقنین را ندارد تمام قوانین از منابع شرعی استنباط می شود. در نظام های فعلی حکام مافوق قوانین هستند برعکس در اسلام حتی شخص خلیفه پایبند به قوانین شرعی است. یعنی در اسلام حاکم و محکوم در برابر قوانین شرعی یکسان هستند. بنأ مانند حکام فعلی در اسلام خلیفه هیچگونه مصؤنیت و معافیت قانونی و قضائی ندارد. خلیفه تا زمانی متصدی امور مسلمین خواهد بود که کاملاً مطابق احکام الهی حکومتداری کند و او باید در هر امر و عمل خویش الله سبحانه و تعالی را حاضر و ناظر ببیند و در کسب رضایت او تلاش کند.

بخش دوم: مسئولیت های حاکم

در اسلام، حاکم کسی است که تمام امور امت را- صرف نظر از رنگ، نژاد، زبان و منطقه - نظارت و سرپرستی می نماید. حاکم مشروع در اسلام از طریق بیعت حل و عقد تعیین می گردد. پس حکام فعلی سرزمین های اسلامی هرگز مشروع نیستند. همچنان الله سبحانه و تعالی بشکل صریح حاکم مشروع و وظایف و مسئولیت های وی را تعیین و مشخص نموده است. در بخش حاکمیت، الگوی ما غربی ها نیستند مانند رئیس جمهورهای امریکا بلکه الگوی و پیشوای ما خلفای راشدین هستند که مطابق نقش قدم پیامبر صلی الله علیه و سلم به پیش رفتند و اسلام را بطور کامل تطبیق نمودند و گام به گام از قرآن و سنت پیروی نمودند.

تطبیق، حراست و انتشار دین اسلام

حاکم مشروع مسلمانان مسئولیت دارد تا اسلام را تطبیق، اجرا و حفاظت نموده و در انتشار آن به سایر ملل جهان کوشش جدی به خرج میدهد. دستور یا قانون اساسی خلافت براساس دلایل شرعی آماده گردیده و دستگاه های خلافت نیز بر مبنی دستور خلافت ایجاد می شود. بناً دستور خلافت، دستگاه های آن و تصویب قوانین بمنظور تطبیق و حفاظت و انتشار دین اسلام ایجاد شده تا خلافت اسلام را درست تطبیق نماید. خلیفه یک دیکتاتور نیست چون سلطه و حاکمیت از آن او نیست بلکه از آن الله سبحانه و تعالی است. مکلفیت خلیفه این است تا احکام و قوانین مربوط به جامعه، اقتصاد، سیاست، قضا، سیاست خارجی تعلیم و تحصیل را درست تطبیق و عملی نماید. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (مائده: آیه ۴۵)

«و کسی که بدانچه خداوند نازل کرده است حکم نکند (اعم از قصاص و غیره) او و امثال او ستمگر بشمارند.»

بنابراین مسلماً که حکام فعلی سرزمین های اسلامی ظالم و ستمگر هستند. ایشان از الله سبحانه و تعالی نمی ترسند آنها خود را در برابر مسلمین و خدا و رسول مسول احساس نمی کنند. آنها در تطبیق کفر هیچ احساس گناه نمی کنند آنها مانع تطبیق خیر و نعمت الهی - اسلام- می شوند. آنها خوش هستند که در خدمت بادران شان باشند. آنها می خواهند سرزمین های اسلامی را بسوی تباهی و بربادی سوق دهند. آنها منابع امت را در خدمت کفار قرار می دهند. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ. جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا
وَبئْسَ الْقَرَارُ﴾ (ابراهیم: ۲۸-۲۹)

بنگر به کسانی که نعمت خدا را (نشناختند و آن را) به کفر تبدیل کردند (و به جای این که نعمت بعثت محمد و آئین اسلام را غنیمت بشمارند و آن را سپاس گویند، کفر را برگزیدند) و قوم خود را به سرزمین هلاک و نابودی کشانند. و آن جهنم است که وارد آن می گردند و به آتش می سوزند، و چه جایگاه بدی است!

بنابراین باید حکام فعلی سرزمین های اسلامی برکنار و نظام های فعلی سرنگون گردند و خلافت جایگزین آنها شود تا دوباره رحمت و نعمت الهی بر کره زمین سایه افکند. خلافت تمام نظام های اسلام را بشکل کامل و همه جانبه آن تطبیق می نماید تا انسان ها از مزایا و برکات نظام الهی مستفید شوند. در اسلام طوریکه در گذشته ها تطبیق شده و رائج بوده تمام روابط رعیت با دولت بر اساس اسلام تنظیم می گردد و بس. اسلام منبع تمام روابط و قوانین است و حتی روابط غیرمسلمان مقیم در دولت اسلامی نیز بر اساس اسلام تنظیم می گردد. قرآن و سنت اعمال و مسوولیت و وجایب حاکم را به صراحت بیان نموده است. حاکم مسول تطبیق قوانین شرعی است. فرمان و دستور او همه اختلافات را از میان می برد. او حق تعیین معاونین، قضات، والیان را دارد. امیر جهاد از سوی شخص خلیفه تعیین می گردد و

او مسول نظارت از امنیت و دفاع از دولت را عهده دار می باشد. تمام معاهدات و پیمان ها توسط شخص خلیفه با غیر مسلمین عقد می گردد و او مسول تعیین روابط با سایر ملل است اما مسوولیت اساسی اش تطبیق و انتشار اسلام است و امور فوق توسط شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین بخوبی تطبیق و اجرا شده و ایشان الگوهای راستین امت بشمار می آیند.

تنظیم، مراقبت و سرپرستی امور رعیت

عائشه رضی الله عنها روایت می کند:

« از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که در خانه گفت: ای الله سبحانه و تعالی! با مسولین که سخت و خشن هستند، سخت گیر باش و با مسولین مهربان، مهربان باش و آسان بگیر. » (رواه و صحیح مسلم)

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله سبحانه و تعالی جنت را بر والی که در حق امت غش و دزدی کرده باشد، حرام قرار داده است. (بخاری)

باید متولیان امور مسوولیت خویش را بشناسند تا به درستی امور مردم را سرپرستی نمایند. همچنان بر متصدیان امور مسلمین واجب است تاز عزت، ناموس و ملکیت و ثروت حفاظت نمایند و همچنان برای مسلمین سرپناه مهیا نمایند و فقر را محو نمایند. عمر ابن خطاب رضی الله عنه در عدالت و احساس مسوولیت و سرپرستی و مراقبت امور مسلمین شهرت منحصر به فرد دارد که شرق و غرب از آن گاه است. او حتی شب ها بر کوچه های شهر مدینه راه می رفت تا مطمئن شود که به درستی به امور مسلمین رسیدگی صورت گرفته است.

همچنان زمانیکه قحطی شهر مدینه را فرا گرفت او رضی الله عنه یک تیم امداد رسان را آماده ساخت تا به قحطی زدگان کمک نماید و همچنان به والیان مصر و شام پیام فرستاد تا هرچه زودتر کمک های غذایی ارسال کنند. او شخصاً وارد عمل شد تا موضوع هرچه زودتر حل گردد. درباره مسوولیت حاکم از وی سخن مشهور نیز بجا مانده است: « اگر در سرزمین عراق پای حیوانی بشکند، می ترسم که روز قیامت بخاطر عدم ترمیم پل از من سؤال خواهد شد. » او رضی الله عنه نگران همه اتباع دولت اسلامی بود حتی بر غیرمسلمانان نیز نگران بود.

ابن جنجاویه در کتاب الاموال روایت کرده: «روزی عمر رضی الله عنه متوجه شد یکتن از اهل ذمه گدایی می کند او گفت: مسئله از چه قرار است؟ اهل ذمه گفت: از من جزیه گرفته شده و من پول ندارم. عمر رضی الله عنه گفت: ما در قبال تو درست عمل و رفتار نکردیم. ما عمر شما را خوردیم و سپس از تو جزیه گرفتیم. سپس به مسولین خود هدایت داد که بعد از این از کهن سالان جزیه اخذ نکنید. بناً معلوم می گردد که عمر رضی الله عنه من حیث خلیفه مسلمین احساس مسوولیت میکرد و تمام مسوولیت و مکلفیت های خود را می شناخت. بناً ان شاء الله که خلیفه آینده مسلمین نیز گام به گام از نقش قدم وی پیروی خواهد نمود.

گناه و جزای حکام خائن

هر حاکم که در انجام وجایب و مکلفیت های اش ناکام ماند، در روز قیامت الله سبحانه و تعالی او را مورد محاسبه قرار میدهد، مسلماً که محاسبه حکام خیلی سنگین و شدید است. الله سبحانه و تعالی در باره بی کفایتی و خیانت حکام هشدار داده است. آنها مخالف سنت رسول الله رفتار می کنند و دستورات الهی را جدی نمی گیرند و خیانت عظیم را متقبل می شوند. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

الله سبحانه و تعالی شما را از امارت و رهبری حکام سفی و فرومایه در امان داشته باشد. سپس اصحاب کبار پرسیدند که رهبری سفها و فرمایه یعنی چی؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: «رهبری سفها و فرومایه گان بعد از من خواهد آمد. آنها نه از سنت من پیروی می کنند و نه پروای هدایت و رهنمائی من دارند. پس هر کسی که رهبری آنها تائید و تصدیق کرد یا اینکه در امر خیانت آنها را حمایت کرد قطعاً از ما نیست و نه من آز آنها هستم. به آنها اجازه داده نمی شود تا نزدیک حوض کوثر بیایند. (رواه احمد)

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است.

در روز قیامت در دم/عقب هر حاکم خائن و غدار بیرق یا پرچم بسته خواهد بود و پرچم و بیرق آنها به اندازه خیانت آنها بلند و دراز می باشد. به تحقیق هیچ خیانتی بزرگتر از خیانت امر و مسول مردم نخواهد بود. (رواه مسلم)

رهبران فعلی جهان اسلام در روز قیامت در نزد الله سبحانه و تعالی از عدم تطبیق اسلام

پاسخ خواهند داد و قطعاً الله سبحانه و تعالی آنها مورد مواخذه و محاسبه قرار میدهد. آنها از ناکامی های خویش در خصوص عدم رسیدگی و سرپرستی درست امور امت جواب می دهند. آنها از سرقت سرمایه امت پاسخ می دهند. آنها در خصوص دوستی با کفار سخت مورد محاسبه قرار می گیرند. آنها بودند که دست دشمنان اسلام را باز گذاشتند تا خون مقدس مسلمانان را بریزانند آنها در جرایم جنگی و شکنجه مسلمانان توسط کفار شریک هستند و حتماً جواب می دهند. از الله سبحانه و تعالی می خواهیم تا هرچه زودتر خلافت را تاسیس نماید تا همه حکام فعلی را به محاکمه بکشاند و آنها را مورد بازپرس و محاسبه قرار دهد و در روز قیامت نیز به بدترین عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

حاکمیت اسلام، عزت و عظمت را به مسلمانان باز می گرداند

به همگان واضح است که منشا تمام مشکلات و نابسامانی های جاری جهان اسلام ناشی از موجودیت حکام خائن و تطبیق نظام کفری دموکراسی سرمایه داری است. مسلمانان در همه ابعاد زندگی دچار مشکلات و بدبختی هستند ولی در دو بخش عمده خیلی ضربات سنگین و مهلک را متحمل شده اند که یکی نکبت اقتصادی است و دیگری سیاست خارجی. هرچند تاریخ حاکمیت اسلام ثابت ساخته است که مسلمانان در گذشته درین دو بخش چنین نبوده اند ولی ان شاءالله خلافت آینده با تطبیق کامل اسلام به جهان نشان خواهد داد که اسلام چگونه مشکلات اقتصادی را حل و مسائل سیاست خارجی امت را رهبری می کند. ان شاءالله خواهد دید که چگونه خلافت در زمان خیلی کوتاه در اوضاع امت اسلامی بهبود ایجاد می کند.

خلافت به مشکلات اقتصادی نقطه پایان میگذارد

به مورخین واضح است که خلافت کاملاً متعهد به محو فقر و تنگدستی بوده و همواره تلاش کرده تا مشکلات اقتصادی را در قلمرو اش اجازه ندهد. چون نظام اقتصادی اسلام نسبت به سایر نظام ها ، خیلی جامع و قاطع است. برای بیش از سیزده قرن نظام اقتصادی خلافت برای بشریت الگو بود. نظام اقتصادی اسلام یک هزار سال امت مسلمان را به مقتدرترین قدرت

شکست ناپذیر جهانی مبدل نموده بود که در تحت قلمرو آن حتی پزندگان از سیری ثنای خدا را می گفتند. امروز جهان اسلام از عدم انرژی پایدار و منظم رنج می برد ولی ان شاء الله با تاسیس خلافت این همه مشکلات حل می گردد. چون در نظام اقتصادی اسلام، ملکیت عامه نه شخصی می گردد و نه هم ملی طوریکه امروز در کشورهای اسلامی رائج است. ملکیت عامه طوریکه از نام اش هویدا است از آن مردم است و بس و دولت به نمایندگی از مردم تنها حق مدیریت و نظارت آن را دارد و بس. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: مسلمانان در سه چیز شریک اند؛ آب و چراگاه و آتش. (رواه احمد). بنأ تمام منابع انرژی امت منجمله نفت، گاز، ذغال سنگ، منرال ها و دستگاه و نیروگاه های برق هرگز خصوصی نمی شود. خلافت هرگز از منابع متذکره سود و فایده بدست نمی آورد بلکه خلافت مسوولیت دارد تا مطمئن سازد که این منابع بشکل درست و عادلانه آن به تمام افراد جامعه اسلامی توزیع می گردد و همه به آن دسترسی می داشته باشد. این کار قطعاً قیمت برق و مواد سوخت را پائین می آورد و سکتور زراعتی و صنعتی سرزمین های اسلامی را شگوفا می سازد. همچنان اسلام دستور داده است تا عواید و پولی که از صادرات ملکیت عامه بدست می آید در بیت المال گذاشته شود و سپس بر تمام اتباع خلافت - صرف نظر از نژاد، زبان، جنسیت و مذهب - مصرف شود. تنها خلافت ان شاء الله جلو مالیات کمرشکن فعلی را می گیرد و قروض خارجی امت را می پردازد و بدیل های موثر و مفید اقتصادی را روی دست می گیرد تا رفاه و آسودگی اقتصادی به امت اسلامی برگردد. در دموکراسی وضع مالیات کمرشکن یک موضوع معمول است. درین نظام رهبران بر اتباع اش رحم ندارد و منتظر اند تا خون شهروندان را بمکند. در سال های اخیر، وضع مالیات کمرشکن بر مسلمین افزایش یافته است. در پاکستان رهبری سیاسی - نظامی این کشور در ۶۰ سال گذشته وضع مالیات را بشکل بی سابقه افزایش داده اند. هنوز هم هستند کسانی که خواهان وضع مالیات بیشتر اند. تنها جلو وضع همچو مالیات کمرشکن را بگیرد. تنها حزب التحریر با تاسیس خلافت جلو این همه نابسامانی های اقتصادی را خواهد گرفت. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: جمع و وضع کننده مالیات داخل جنت نمی شود.»

(رواه احمد)

بنأ خلافت به خواست اهل قدرت و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مالیات را

افزایش نمی دهد. عواید بیت المال از منابع جمع آوری می شود که الله سبحانه و تعالی دستور داده است. ملکیت خصوصی مردم در امان بوده خلافت حق ندارد تا آن را به بهانه ای « مالیات » سرقت نماید. الله سبحانه و تعالی تعیین نموده که کدام نوع عواید مناسب و مشروع بوده و همچنان تعیین کرده که از کی ها عواید جمع آوری شود. نظام جمع آوری عواید اسلام کاملاً بی نظیر است که جمع آوری عواید از ملکیت عامه مانند نفت، گاز، مس، طلا، تولیدات زراعتی چون عشر و خراج، تولیدات صنعتی و ذکات مال را نیز شامل می شود.

خلافت بدون فشار عواید کافی را جمع آوری می نماید که از طریق آن امور مردم سرپرستی و تنظیم می گردد. در باره کمک ها و قروض خارجی باید گفت که آنها کاملاً سودی است و برای سؤ استفاده و استثمار به کشورهای اسلامی داده می شود. پاکستان نیز مانند سایر کشورهای اسلامی زیر بار قروض خارجی فرورفته باوجود اینکه بارها بخشی از آن را پرداخته است. افزون براین؛ قرض ها به شرایط خاص پرداخته می شود که مانع پیشرفت و ترقی اقتصاد یک کشور می شود و همچنان با این کار مالیات مختلف را بر املاک عمومی وضع می کند که این کار سرانجام منتج به بروز تورم در کشور می گردد. خلافت هرگز همچو وابستگی و بردگی اقتصادی را قبول ندارد. همچنان خلافت تمام حکام را محاسبه و از نزد شان پول های امت را دوباره پس می گیرد.

خلافت همچنان فرصت های کاری را برای همه اتباع اش مهیا می سازد و سرزمین های اسلامی برای تولیدات زراعتی خیلی آماده می باشد و زمین های لایزرع را مورد استفاده قرار میدهد. همچنان اسلام مالکیت زمین را بشکل خیلی مناسب با کشت و زرع ارتباط داده است. پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: هرکه زمینی را کشت کرد که مالک آن نمی باشد پس آن از زمین از او می باشد. (رواه بخاری) همچنان اسلام زمین زراعتی شخصی را که سه سال متداوم آن را کشت نموده باشد از وی پس می گیرد. همچنان خلافت برای کسانی زمین لایزرع را کشت نماید به او اعانه و کمک بدون سود می دهد. بناً در طول یک فصل زراعت بیشتر می شود و زندگی روستائی بهبود می یابد. همچنان خلافت از طریق تطبیق پالیسی صنعتی شغل های بیشتری برای اتباع آماده می سازد و بر خلافت فرض است تا در بخش صنعت، ماشین الات ثقیله در جهان پیشتاز باشد.

بنأ تنها خلافت می تواند مشکلات اقتصادی امت را حل نماید و مصائب ناشی از آن را برطرف نماید.

نظام دموکراسی پالیسی اقتصادی سرمایه داری را تطبیق می نماید که در آن فیات یا واحد پولی کاغذی رایج است و هر قدر پول که دل اش خواسته چاپ می نماید که این کار باعث کاهش ارزش پول های موجود در بازار می شود و قیمت ها خیلی بالا می برد. در پاکستان قبل از استعمار انگلیس، ارزش یک روپیه پاکستانی یازده گرام نقره بود ولی بعد از ۲۰۰ سال ارزش آن حالا به کمتر از یک بر نه صدم حصه یک گرام نقره رسیده است! هرچه که حاکمیت کفر دوام می یابد به همان اندازه ارزش واحد پولی پاکستان و سایر کشورهای اسلامی کاهش یابد. این مشکل تنها با تاسیس خلافت حل می گردد. چون در اسلام پشتوانه هر بانکوت و سکه طلا و نقره است. رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور داده است تا سکه دینار طلا به وزن ۴,۲۵ گرام و سکه درهم نقره به وزن ۲,۹۷۵ گرام ضرب زده شود و منحصیث واحد پولی خلافت قرار گیرد. به همین دلیل است که ارزش واحد پولی و قیمت مواد در عصر خلافت ثابت و لایتغیر باقی مانده بود. بنأ این واحد پولی خلافت را از امریکا و بازی های منفعتی او در بازارهای جهانی مستقل می سازد.

خلافت امت را از حقارت در سیاست خارجی نجات میدهد

خلافت تمام ریشه های تسلط کفار بر سرزمین های اسلامی را بر می چیند و روابط امت با کشورهای متخاصم را قطع می کند. همچنان تمام سفارت خانه ها، پایگاه ها، اماکن مسکونی سازمان های نظامی و امنیتی را از مسدود می سازد و با مقامات سیاسی و نظامی همچو کشورها قطع علاقه می کند. یعنی وضعیت و حقارت فعلی امت در بخش سیاست خارجی را مکمل از بین می برد. حکام خائن سرزمین های در حال حاضر دست دشمنان اسلام باز گذاشته تا هرچه دل شان خواسته باشد انجام دهند و هر دسیسه ای را که خواسته باشند علیه امت طرح ریزی نمایند. رهبران فعلی حتی جرئت سخن گفتن در برابر دشمنان اسلام را ندارند. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ. إِن يَتَفَقَّهُكُمْ
يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾

(سوره ممتحنه: آیه ۱-۲)

ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید. شما نسبت بدیشان محبت می‌کنید و مودت می‌ورزید. اگر بر شما دست یابند، دشمنان شما می‌گردند، و دست تعدی به سویتان دراز می‌کنند، و زبان را در حق شما به بدی می‌گشایند، و آرزو می‌کنند که کاش می‌شد کافر شوید!

خلافت تنها به بازو و ظرفیت امت استوار می‌باشد نه به عزت و قوت کفار. خلافت تمام ظرفیت و نیروی امت را باهم متحده ساخته و یک قدرت بی نظیر بوجود می‌آورد و کشورهای متخاصم کفری از منزوی می‌سازد و تمام جهانیان را به اسلام دعوت می‌نماید.
الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ
الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾ (سوره نساء: آیه ۱۳۹)

«این منافقان کسانی هستند که کافران را به جای مؤمنان به سرپرستی و دوستی می‌گیرند. آیا عزت را در پیش کافران می‌جویند؟ (چنین چیزی محال است) چرا که عزت و شوکت جملگی از آن خدا است (و هر که از خدا عزت جوید عزیز شود، و هر که از غیر او عزت طلبد ذلیل گردد).»

حکام خائن و غاصب در امر حکومتداری ناکام بودند و با این ناکامی شان امت را تباه کردند. آنها باید هرچه زودتر سرنگون و برکنار شوند و همه ای مسلمانان باید دست به دست هم بدهند تا خلافت را تاسیس و خلیفه مخلص را جایگزین این همه حکام خائن نمایند.

بخش سوم: مسئولیت امت در برابر حاکم

صلاحیت تعیین حاکم حق امت است که باید با انتخاب و رضایت صورت بگیرد. مسلمان که خلیفه تعیین می‌شود باید مرد، بالغ، عاقل، عادل، آزاد، لایق و مستعد باشد. سپس با وی بیعت انعقاد صورت می‌گیرد تا امت اسلامی را رهبری نماید و پس از تعیین وی بر مسلمانان واجب است تا با وی بیعت طاعت و فرمانبرداری نمایند. سپس مسلمانان باید تا زمانیکه خلیفه مطابق قرآن و سنت عمل می‌نماید از وی پیروی و اطاعت نمایند. یعنی باید محکمه مظالم تاسیس شود تا از تطبیق کامل اسلام نظرت و هرگونه نقض در تطبیق احکام را بررسی و حل و فصل نماید.

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ﴾ (نساء: آیه ۵۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حقیقاً بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید). چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید.»

اطاعت از امیر در معصیت خالق جایز نیست.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: اطاعت از مخلوق در صورت بی اطاعتی او از خالق جایز نیست. (رواه احمد)

عباده بن الصامت روایت می‌کند: «ما با دل و جان به پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت نمودیم و تعهد سپردیم که از او در سختی و آسانی، و حتی در حالتی که ما را از سهم محروم می‌سازد، اطاعت می‌کنیم و در امر رهبری با اهل خرد بحث و مجادله نمی‌کنیم و پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت مگر اینکه از رهبر و حاکم کفر آشکار سرزنش کند. (رواه بخاری و مسلم) رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: امرا و حکام خواهند آمد که از بعضی آنها راضی و از بعضی آنها ناراض می‌باشید و رد می‌کنید. هرکه به حقانیت آنها اعتراف کرد از گناه آزاد و هرکه اعمال بد آنها را رد نمود از مسولت مصون خواهد بود مگر اینکه کسی آنها قبول کرد و از ایشان پیروی نمود؟ یعنی این چنین شخص در امان نخواهد بود؟ اصحاب پرسیدند آیا با آنها نجنگیم؟ او صلی الله علیه وسلم گفت تا زمانیکه نماز برپا می‌دارند. (رواه مسلم) و درین حدیث هدف از برپا داشتن نماز، تطبیق اسلام است.

تطبیق احکام شرعی با بیان جزئیات به معنی تطبیق کل آن است که آن را در شریعت بنام «باب التسمیات کل بالاسم جزء» یاد می‌کند. مثلاً الله سبحانه و تعالی دستور داده تا گردن غلام آزاد شود و این به معنی آزاد ساختن غلام بشکل کل است نه به معنی آزاد سازی گردن او. این دستور توسط حاکم مخلص و راشد نظیر ابوبکر رضی الله عنه بخوبی درک می‌شد و او در سخنرانی مشهور خود چنین گفت:

«ضعیف شما در نزد من قوی است تا اینکه حقوق حقه وی محقق شود و قوی شما در نزد من ضعیف است تا اینکه دین باقی مانده بر او را از نزدش بگیریم... از من اطاعت کنیم تا زمانیکه من از خدا و رسول اش اطاعت می‌کنم. زمانیکه از خدا و رسول اش نافرمانی کردم، از من اطاعت نکنید.»

هستند بعضی از حکام سرزمین‌های اسلامی که ادعای مشروعیت می‌کنند و خود را حکام مشروع امت عنوان می‌کنند در حالیکه امت را اغوا می‌کنند و فریب می‌دهند. آنها از دلایل

شرعی مربوط به اطاعت و فرمان برداری از امرا سؤ استفاده می‌کنند تا مردم را تابع خود نمایند و از خیزش و انقلاب در مقابل شان جلوگیری نمایند در حالیکه واضحاً مخالف اوامر و دستورات الهی عمل می‌کنند. باید بدانیم که آنها مطابق اسلام عمل نمی‌کنند آنها با بیعت تعیین نشده اند آنها امت را فریب می‌دهند. چون آنها از الله سبحانه و تعالی اطاعت و پیروی نمی‌کنند پس اطاعت از آنها جایز نیست. آنها می‌گویند که بی اطاعتی باعث تفرقه می‌شود در حالیکه وحدت در اطاعت از الله سبحانه و تعالی نهفته است. آنها به بهانه های واهی امت را مصروف کرده اند تا علیه فساد و ظالم آنها قیام نکنند. آنها از مردم می‌خواهند که مصروف امور یومیه خود باشند و در امور سیاسی دخالت نکنند. در حالیکه الله سبحانه و تعالی دستور داده تا حکام محاسبه شوند و در جامعه امر به معروف و نهی از منکر جاری باشد. آنها در بی اطاعت کامل خالق به سر می‌برند، آنها ظالم و مستبد هستند، اطاعت از حکام فعلی دنیای اسلام جایز نیست چون آنها از اسلام پیروی نمی‌کنند.

محاسبه حاکم

محاسبه حاکم بر امت فرض است. این یک اصل اسلامی است که باید همواره در جامعه محاسبه حاکم جاری باشد و وی را به تطبیق حق هدایت و رهنمائی نماید. در دولت خلافت، محاسبه خلیفه فرض است و او باید محاسبه گردد که اسلام را بشکل دقیق و کامل تطبیق می‌نماید یا خیر. اما باید در حاضر تمام حکام فعلی سرزمین های اسلامی مورد محاسبه قرار گیرند و در مقابل ظلم و استبداد و بی عدالتی آنها نباید خاموش بود. امت هرگز نباید احدی از بی عدالتی، ظلم، استبداد و عدم تطبیق اسلام آنها را فراموش کند. آنها خیانت بزرگ را در حق خدا و رسول اش و امت روا دیده است و آنها کفار را دوست گرفته اند. باید برضد خیانت آنها صدای خود را بلند کنیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

« قسم به الله که نفس من در دست اوست! باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، دست ظالم را بگیرید و او را بسوی حق هدایت کنید و او را بر حق نگهدارید در غیر آن الله سبحانه و تعالی قلوب شما با یکدیگر ضربه خواهد زد و شما را مانند اولاده بنی اسرائیل لعنت می‌کند.» (رواه ابو داود) همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

« اگر مردم دست ظالم را از ظلم بر ندارد به تحقیق الله سبحانه و تعالی ایشان را به عذاب دردناک گرفتار می کند. » (رواه ترمذی)

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

« روزگاری امرا و حکام بر شما حاکم خواهد شد که بعضی از اعمال آنها معروف و بعضی از اعمال آنها منکر خواهد بود. هرکه این موضوعات را درک کرد و فهمید در امان است و هرکه آن را منع نمود و در مقابل آن ایستادگی کرد از گناه برائت حاصل می نماید و هرکه آن را تصدیق نمود و از آن راضی شد و از اعمال آنها پیروی نمود ایشان نه در امان است و نه هم از گناه برائت حاصل می کند. » (رواه مسلم)

رسول الله صلی الله علیه وسلم همچنان می فرماید:

« الله سبحانه و تعالی مردم عام را به دلیل اعمال و گناه های بعضی از اشخاص محدود مورد عذاب قرار نمی دهد البته تا زمانیکه در میان شان منکر را می بینند و قادر به منع آن هستند ولی آن را از بین نمی برند و مانع نمی شوند. اگر مردم عام نهی از منکر نکرد الله سبحانه و تعالی هم مردم عام و مردم گناه کار را مورد عذاب قرار می دهد. » (رواه احمد)

همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

« حکام و امراء بر شما خواهند آمد که بعضی از اعمال آنها معرف و بعضی از اعمال شان منکر است. هرکه این موضوع و وضعیت را شناخت مصون است هرکه آن را نهی نمود از گناه آزاد است لیکن کسی که این وضعیت را تأیید و از اعمال حکام پیروی نمود مسلماً که نه مصون خواهند بود نه هم از گناه آزاد می شوند. » (رواه مسلم)

راه های عملی محاسبه حاکم پس از بازگشت خلافت

مفهوم محاسبه در طول تاریخ در ساختار سیاسی اسلام یک اصل پذیرفته بوده است. در گذشته امر به معروف و نهی از منکر و محاسبه حاکم توسط افراد و در قالب احزاب مبتنی بر اسلام به پیش برده می شد و مسلمانان بشکل فردی و گروهی و کتلی حاکم را مورد محاسبه قرار میداد. همچنان مجلس امت نیز حاکم را محاسبه و بازجوئی میکرد. چون مجلس امت به هدف ارائه مشوره به خلیفه تاسیس می شود و این مجلس نظریات و مشکلات مردم را به خلیفه

ارائه می‌کنند تا به حل آن رسیدگی شود و در صورت عدم رسیدگی خلیفه را مورد محاسبه قرار می‌دهد. همچنان محاسبه خلیفه توسط محکمه مظالم نیز صورت می‌گیرد. چون این محکمه مظالم و بی‌عدالتی حکام و امرا را بررسی می‌کند پس هرگاه امت شکایات شان را به این محکمه ارائه نمود، این محکمه خلیفه و سایر امرا را مورد محاسبه قرار می‌دهد. همچنان امت اسلامی در مجموع نقش منفعل بازی نمی‌کند بلکه جوّ و فضای مسوولیت‌پذیری و محاسبه در سطوح مختلف ایجاد می‌گردد تا هر فرد حاکم را مورد محاسبه قرار دهد تا اینکه اسلام بشکل خالص و دقیق آن تطبیق و عملی گردد.

نتیجه گیری

با موجودیت نظام های کفری هرگونه تغییرات واهی و فریبنده سبب فساد بیشتر می شود. بناً باید نظام از ریشه تغییر کند و اسلام جایگزین آن شود. وضعیت جاری دنیای اسلام واقعاً رقت بار است و بدون اسلام، هیچ نظام آن را حل کرده نمی تواند. منشاء تمام مشکلات و بابسامی های جاری دنیای اسلام ناشی از نظام های کفری است. این نظام ها هرگز حاکم صالح و مخلص تربیه نمی کند. از این نظام ها هرگز رهبر مسلمان نمی روید. این نظام قطعاً مخالف فطرت بشری و نظام الهی است. نظام های فعلی باعث تداوم استعمار و اشغال و استثمار و فساد می گردد. در یک کلام؛ تحت این نظام ها وضع امت بهبود نمی یابد. به همگان واضح است که در بسیاری از سرزمین های اسلامی دادخواهی و خیزش مردمی سبب تغییر نظام ها و سرنگونی حکام گردید ولی تغییر از جنس اسلام نبود بلکه تغییر از جنس نظام های کفری بود به همین دلیل مشکلات لاینحل باقی ماند. پس ما بدنبال تغییر واقعی هستیم. تغییر مبتنی بر اسلام که ریشه همه کفر و بی عدالتی را برچینند. ما تغییر چهره ها را نمی خواهیم! تغییر اساسی و واقعی تنها با تاسیس خلافت بمیان می آید. چون خلافت، نظام های کفری را سرنگون و اسلام را تطبیق و امت را از همه وابستگی ها نجات می دهد.

پس ای مسلمانان پاکستان!

حیات ما به اسلام وابسته است. هدف اصلی زندگی ما، تطبیق اسلام است و بس. حالا زمان تغییر فرار رسیده است. باید به دعوت الله سبحانه و تعالی و رسول اش لبیک بگوئیم و تنها از طلب کمک کنیم. ما امت هستیم که عزت و عظمت ما در اسلام نهفته است. مسلمانان در طول تاریخ در برابر ظلم، نابرابری و عدم تطبیق اسلام، در مقابل حکام خائن و ظالم و

کفار اشغال گر ایستادگی کردند. مسلمانان از ملامتی هیچ ملامت گر هراس نداشتند. آنها هرگونه درد و رنج و مشقت را قبول کردند. امت اسلامی بویژه مسلمانان شبه قاره هند قربانی و فداکاری های زیادی نمودند تا اسلام درین خطه تطبیق شود! ما این سرزمین را با خون خود آبیاری کردیم! ما در مقابل استعمار و اشغال انگلیس ایستادگی کردیم تا حاکمیت اسلام را به شبه قاره هند بازگردانیم! پاکستان نیز بنام اسلام تاسیس شد! مسلمانان شبه قاره هند جنبش و حرکت بزرگ را براه انداختند تا خلافت عثمانی را از سقوط نجات دهند. در جریان تجزیه هند و پاکستان هزاران مسلمان این سرزمین بخاطر الله سبحانه و تعالی کشته دادند و شهید شدند تا شبه قاره هند تقسیم نشود. تا امروز، اسلام در رگ و خون ما جاری است. بیاید دست به دست هم بدهیم تا پاکستان اولین کشور باشد که خلافت برای بار دوم در آن تاسیس شود.

* * *

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

مجموعه از کتاب‌هایی که تاکنون "حزب التحریر" به دست نشر سپرده است!

کتاب حزبی:

- منہج حزب التحریر
- معرفى حزب التحریر
- تکتل حزب التحریر
- مفاهیم حزب التحریر
- نظام اسلام
- شخصیت اسلامی (جلد اول)
- مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت
- مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت
- مشرح (جلد اول)
- نظام مالی دولت خلافت (اموال در دولت خلافت)
- نظام اقتصادی دولت خلافت
- نظام حکومت داری دولت خلافت
- نظام اجتماعی دولت خلافت
- مبادی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت
- دولت اسلامی
- مفاهیم سیاسی
- نظریات سیاسی حزب التحریر
- ساختار دولت خلافت
- قضایای سیاسی
- نفسیه اسلامی
- سایر کتاب‌هایی که شباب "حزب التحریر" نوشته اند:
- برخورد فرهنگ‌ها
- ظهورِ نظم نوین جهانی
- نظام دفاعی و جنگی دولت خلافت
- مبادی سیاست صنعتی دولت خلافت
- مسوولیت حاکم و امت در دولت خلافت
- سیاست خارجی دولت خلافت
- نظام عقوبات دولت خلافت
- بحران اقتصادی و راه حل آن
- نظام پولی
- دیدگاه استراتژیک پیرامون رویدادهای احتمالی ۲۰۱۷
- بحران هستوی و راه حل آن
- بحران محیط زیستی (پدیده تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین) و راه حل آن
- بحران آزادی و راه حل آن
- بحران تفکیر ساینسی و خلافت
- بحران هجرت و پناهندگی و راه حل آن
- احکام شرعی؛ شبیه سازی، پیوند اعضا، - سقط جنین و تلقیح مصنوعی

- تفکیر
- سرعت البدیبه
- خرافت
- فکرم اسلامی
- برگشت خرافت
- طلب نصرت
- استبداد خرافت
- افکار سیاسی
- پاسخ خرافت
- ۱۰۰ پرسش در مورد خرافت
- خرافت چگونه نابود شد
- رد بر تمامی اتهامات علیه حزب
- احکام بینات
- مفاهیم خطرناک، بحران و راه حل آن
- بحران بازارهای مالی
- حمله امریکایی

نوشته‌های تاریخی پیرامون صفحات

درخشانِ امت اسلامی:

- دولت خرافت
- معرفی امراء ثلاثهٔ حزب التحریر
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۷۹۵-
- پیمان امت
- امریکا به ولایت الجزایر دولت خرافت جزیه پرداخت.
- واجب امت
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۹۱۶-
- سعی امت
- دولت خرافت بریتانیای کبیر را شکست داد.
- نهضت امت
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۸۵۷-
- ندای امت
- نخستین حرکت بیدارگری (نهضت) در میان امت.
- جمهوریت و خرافت
- دموکراسی نظام کفر است
- کلام چندی درم ورد فضایل مردم سوریه (اهل شام)
- انتقال از بهار عربی به بهار اسلامی
- تصورات جیوپولیتیک
- نقش زنان در حمل دعوت به سوی خرافت
- چگونه تنظیم زندگی فامیلی

اٲٲٲ پٲوٲكشٲ

Ummat Production